

# از بخل آوارگان و سخا دیگران

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از بخل آوارگان و سخا دیگران... حضرت بهاء الله، محاضرات جلد ۱ صفحه ۲

مکاتیب جلد دوم صفحه ۱۸۶

## قوله العزیز

از بخل آوارگان و سخا دیگران مرقوم فرموده بودید فقیر بینوا چه انفاق نماید و محتاج پیشیز چه احسان کند توانگراند که خوان نعمت نهند و ابواب بخشش بکشایند الحمد لله آنجناب بر سفره مهنا و خوان مهیا وارد شدید و از جمیع نعماً والأ موجوده یافتید گرسنگی در کاشانه فقرا و بی برگی لانه ضعفا را فراموش البته نمودید دیگر شکایت چرا و روایت از چهره و مگر آنکه بگویم از عالم قناعت گذشته‌اید و ابواب طلب مزید را گشاده‌اید. و از این گذشته ما نه مرشدیم نه مسترشد نه مریدیم نه مراد نه مدعی علمیم و نه مدعی کمال آوارگانیم بیسر و سامان و بینوایانیم بی برگ و مستمند و پریشان. نهایت آشفته جمال دلبریم و دلداده کوی مهوشیم دردمند طیب الهی هستیم و مستمند توانگر معنوی مرغ ضعیفیم لکن گرفتار دام او هستیم. و از این گذشته چون بازار - جوهریان گذری نه تجلی یاقوت رمانی بینی و نه جلوه لعل بدخشانی نه لؤلؤ لالا مشاهده کنی و نه در یگنا لکن چون بدگه خزیان بگذری امواج خزف بینی که مکشوف موج میزند و تلال شیشه بدل ملاحظه نمائی که برق میزند لکن صدهزار بار خزف بدانه گوهری برابری نمایم..... انخ



ORIGINAL